

عدم امکان دسترسی به شهرت فتوائیه و مقتضای ادله^۱

علی فقیهی *

چکیده

از جمله امارات مورد بحث در علم اصول شهرت فتوائیه است که به معنی فتوای واحد معظم فقه‌های امامیه است. علمای اصول، تنها در حجیت و عدم حجیت آن بحث دارند؛ در حالیکه امکان دسترسی به فتوای معظم فقها نیز جای بحث دارد از این‌رو شیخ انصاری در کتاب رسائل، شهرت فتوائیه را به فتوای معظم فقهاء معروف تعریف کرده است. نظر نگارنده این است دسترسی به آراء معظم فقها معروف و غیرمعروف به دلائلی غیرممکن است که از جمله آن؛ گمنامی بسیاری از فقیهان، تقیّه در برابر حاکمان متعصب و محو بیشتر آثار قلمی است. از این‌رو آنچه به نام شهرت فتوائیه در کتاب‌های فقهی آمده در حقیقت فتوای تعدادی از فقها است که مصداق شهرت فتوائیه نیست و از طرفی ادله‌ای که برای حجیت شهرت فتوائیه اقامه شده دلالت بر حجیت فتوای معظم فقه‌های معروف ندارد.

کلید واژه‌ها: فقهای معروف، مشهور فقها، ظن، اولویت، خبر فاسق.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲

* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران faghihi@baboliau.ac.ir
(نویسنده مسؤول)

۱- مقدمه

مقصود فقها از شهرت فتوائیه چیست؟ آیا فتوای مشهور فقها اعم از معروفین و غیرمعروفین است؟ چنانکه ظاهر تعبیر همین است و یا مقصود فتوای مشهور فقهای معروف است بررسی موارد ادعای شهرت در مسائل فقهی احتمال دوم را تأیید می‌کند. آنان در ابتدای مسأله نظرات فقهای معروف اعم از قدما و متأخرین را نقل کرده- هر چند نسبت به مجموع فقهای شیعه اندک باشند- و چنانچه غالب آنان نظر واحدی داشته باشند ادعای شهرت فتوائیه می‌کنند. نگارنده در این نوشتار به روش توصیفی- تحلیلی دو موضوع را بررسی می‌کند اول: دسترسی به آراء مشهور مطلق فقها و بلکه فقهای معروف عاده ممکن نیست دوم: ادله‌ای که رجال اصول آورده‌اند دلالت بر حجیت فتوای مشهور فقها دارد و نه بر حجیت فتوای مشهور فقهای معروف.

۲- تاریخچه پیدایش و طرح بحث

بررسی حجیت و یا عدم حجیت شهرت فتوائیه را برای اولین بار در کلام شهید «ذکری» می‌توان یافت. ایشان در آخر بحث اجماع فروعی آورده و در فرع چهارم پس از بحث و بررسی، حجیت را انتخاب کرده است. وی دلیل آنرا افاده ظن به حکم الله می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۹، ۵۱) پس از ایشان صاحب معالم به طرح بحث پرداخته و تنها حجیت شهرت فتوائیه قدما را می‌پذیرد و مقصودش از قدما فتوای فقها تا زمان شیخ طوسی است و شهرت‌های متأخرین را ناشی از تقلید از شیخ طوسی می‌داند (ابن الشهیدالثانی، ۱۳۷۴، ۲۴۴). میرزای قمی صاحب کتاب «قوانین الأصول» همچون شهید اول در «ذکری» مطلق شهرت فتوائیه اعم از قدما و متأخرین را حجت دانسته و مستند را انسداد باب علمی در احکام ذکر می‌کند (میرزای قمی، ۱۳۰۳، ۳۷۷) و از زمان شیخ انصاری تا عصر حاضر تقریباً بحث حجیت را در تمامی کتب اصولی می‌توان یافت.

۳- اصطلاح اصولی

شهرت در علم اصول به سه قسم تقسیم می‌شود: شهرت روائی، شهرت عملی و شهرت فتوائی. مقصود از شهرت روائی این است که بیشتر محدثین روائی را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند و بحث در این قسم در باب تعادل و ترجیح است و آیا شهرت روائی در صورت تعارض دو خبر از مرجحات است یا

خیر. مقصود از شهرت عملی، عمل مشهور فقها به یک روایت است روایتی که به دلیل ارسال و یا ضعف راوی و یا به دلایل دیگر حجت نیست این قسم در خبر واحد بررسی می شود و آیا عمل مشهور جابر ضعف سند است یا خیر. مقصود از شهرت فتوائی اینست که مشهور به حکمی فتوی داده و برای فتوای آنان مدرکی نیست نه اصلی و نه اماره ما هستیم و فتوای مشهور. بحث این است آیا این شهرت حجت است یا خیر. (خوئی، ۱۴۲۸، ۴۷، ۱۶۵). اما شیخ انصاری برای شهرت فتوائیه تعریف دیگری دارد و در کتاب رسائل میفرماید شهرت فتوائیه عبارت است از فتوای معظم فقهای معروف (شیخ انصاری، ۱۳۸۱، ۱، ۱۰۵). از نظر ایشان ملاک، فتوای فقهای معروف است و نه فتوای مطلق فقها

۴- اقوال در مسأله و ثمره بحث

در حجیت و عدم حجیت شهرت فتوائیه چهار نظر وجود دارد: اول شهرت فتوائیه مطلقاً حجت است. دوم عدم حجیت مطلقاً. سوم شهرت فتوائیه قبل از زمان شیخ طوسی حجت است و شهرت فتوائیه متأخر از ایشان حجت نیست. چهارم شهرتی که همراه روایت است اگرچه روایت در کتب عامه باشد حجت است اما شهرتی که همراه روایت نباشد حجت نیست (تبریزی، ۱۳۹۷، ۱۱۸؛ مشکینی، بی تا، ۲۵۵۳). و اما ثمره: بحث در حجیت و عدم حجیت شهرت فتوائیه ناظر به نفی کبری است. در حالیکه بحث از امکان و عدم امکان دسترسی ناظر به نفی صغری است. بنابراین اگرچه نتیجه یکی است و آن عدم حجیت شهرت فتوائیه است. لیکن بحث صغروی مقدم بر بحث کبروی است زیرا با نفی موضوع نوبت به نفی حکم نمی رسد.

۵- دسترسی به آراء مشهور فقها

۵-۱- دسترسی به آراء مشهور فقهای عصر حاضر

اولین سؤال این است آیا دسترسی به آراء مشهور در عصر حاضر ممکن است یا خیر؟ جواب این است که به دلایل زیر ممکن نیست: اول تعداد کسانی که به درجه فقاوت رسیده اند مشخص نیست. دوم بسیاری از آنان آثار مکتوب ندارند. سوم اکثریت به اتفاق فقها اثر مکتوب در تمام فقه ندارند. برخلاف فقهای گذشته که به دلیل همراه نبودن استنباط با استدلال های پیچیده در تمامی ابواب فقه اثر فقهی داشتند. چهارم فقها در مناطق معینی زندگی نمی کنند. بلکه در تمام بلاد اسلامی و غیراسلامی متفرقند. برای مثال

کسی که در کشور ایران زندگی می‌کند آیا می‌تواند نظرات فقهاء را در باره وجوب و عدم وجوب تخییری نماز جمعه معلوم کند؟ آیا می‌تواند نظرات علمای عراق لبنان، بحرین، افغانستان، هند و دیگر فقه‌های ساکن در دیگر مناطق را به دست آورد؟

۵-۲- دسترسی به آراء مشهور متأخرین

حال سؤال این است اگر به دست آوردن رأی مشهور در عصر حاضر ممکن نیست عصری که به دلیل پیشرفتهای علمی دستیابی به آراء فقهاء نسبت به گذشته آسان است چگونه می‌توان نظر گذشتگان را به دست آورد؛ به ویژه که بسیاری از آنان به دلیل حکومت مخالفان متعصب بر بلاد اسلامی و ترس از شمشیر چاره‌ای جز تقیه نداشتند و گروهی نیز به دلیل اظهار رأی به شهادت می‌رسیدند و از طرفی بسیاری از آثار فقهی آنان به دلیل مرور زمان و یا روی کار آمدن فقیهانی معروف‌تر و یا حمله دشمنان به بلاد اسلامی از بین رفته است.

۵-۳- دسترسی به آراء مشهور قدما

سخت‌تر از دسترسی به آراء فقه‌های عصر حاضر و متأخران دسترسی به آراء قدما است و آن به دو دلیل است اول: محو آثار قلمی قدما، برای مثال شیخ صدوق سیصد تألیف داشته است. در حالی که مقداری که به دست ما رسیده است به بیست تألیف نیز نمی‌رسد و یا ابن قولویه که به عدد ابواب فقه تألیف داشته تنها کتاب کامل الزیارات در دسترس ما است و یا شیخ مفید که در حدود دویست تصنیف داشته کمی از آن در اختیار ما است و همینطور کتاب‌های شیخ طوسی و دیگران (شیخ صدوق، ۱۴۲۹، ۱۱). در حال حاضر آنچه از کتب فقهی آنان در دست ما است مجامیع سبعة است. دوم؛ شمار زیاد فقیهان: در این دوره تقریباً عموم محدثین از فقها به شمار می‌رفتند. زیرا رسیدن به درجه فقاها سهل و آسان بود نه نیاز به علم اصول داشت و نه به سایر علوم که امروزه مقدمه استنباط احکام است آنچه برای آنان ضروری بود تشخیص روایت معتبر از غیر معتبر بود از اینرو مرحوم نائینی می‌فرماید «تفقه در دوره‌های اخیر با بررسی اصل صدور و جهت صدور و دلالت میسور است و روشن است تنقیح جهت صدور و دلالت نیاز به اعمال نظر و اجتهاد دارد. اگرچه تفقه در دوره اول چنین نبوده است و فقیه تنها نیاز به اثبات صدور روایت داشت و روشن است محقق تفقه به دلیل تفاوت عصرها موجب اختلاف در مفهوم فقاها نمی‌شود. بنابراین

همانطور کسی که در زمان ما اجتهاد و اعمال نظر می‌کند فقیه است. همچنین کسیکه در گذشته بدون اجتهاد و اعمال نظر به حکم الله می‌رسید حقیقتاً فقیه بود (نائینی، ۱۳۵۲، ۲، ۱۱۰). با توجه به این امر می‌توان نتیجه گرفت به دلیل سهولت فقاہت در عصر قدما فقهای زیادی در بلاد اسلامی و بلکه در دور ترین نقاط آن زندگی می‌کردند و به همین دلیل شیخ صدوق جهت دریافت اخبار اهل بیت از فقها و محدثین به مراکز علمی زیادی در بلاد اسلامی سفر می‌کند مانند سفر به خراسان، استرآباد، فید، ایلاق، جرجان، نیشابور، مرو، سرخس، سمرقند، بلخ، همدان، بغداد، کوفه، مکه، مدینه و غیر آن (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۲۹، ۶). از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت آراء فقهی که به دست ما از شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، حلبی، سلار رسیده است آراء محدودی است و نمی‌توان رأی اینان را رأی مشهور قدما به حساب آورد.

۵-۴- دسترسی به آراء مشهور فقهای معروف

از آنچه گذشت معلوم شد که نه تنها نمی‌توان به آراء مشهور فقها دست یافت؛ بلکه دسترسی به فتوای معظم فقهای معروف نیز عاده ممکن نیست. زیرا با فرض اینکه بیشتر آثار فقهای معروف از بین رفته و تنها آثار معدودی از آنان در اختیار ما است، چگونه می‌توان به یقین گفت آنچه در آثار موجود داریم نظر نهائی آنان بوده است روشن است فقیه‌ی که در حال تتبع است رأی او قابل تغییر است و ممکن است در یک کتاب نظری را بپذیرد و در کتاب دیگر نظر قبلی را ابطال کند. آنچه تاکنون بیان شد بحث صغروی بود و نتیجه این شد که نه تنها فتوای مشهور فقها دست یافتنی نیست بلکه فتوای مشهور فقهای معروف را نیز نمی‌توان به دست آورد. حال سؤال بعدی این است با فرض امکان دسترسی به آراء فقهاء معروف، آیا ادله‌ای را که برای حجیت شهرت فتوائیه می‌آورند شهرت معظم فقها را شامل است یا خیر؟ از این‌رو باید به امور زیر پرداخت. نقل اقوال اصولیان، دلائل اقوال، نقد آن

۶- نقل آراء اصولیان

۶-۱- شهید اول در کتاب «ذکری»

ایشان در آخر بحث اجماع فروعی آورده و در فرع چهارم می‌فرماید: «گروهی شهرت فتوائیه را به اجماع ملحق کردند». سپس فرمود «اگر مقصود از الحاق شهرت به اجماع این است که شهرت اجماع

است، نمی پذیریم و اگر مقصود این است که شهرت مانند اجماع حجت است به دو دلیل می پذیریم، اول: از آنجا که فقها عادلند بی دلیل فتوی نمی دهند. اگرچه دلیل فتوای آنان برای ما معلوم نیست و روشن است فتوای مستند به دلیل، حجت است. دوم: فتوای مشهور فقها موجب ظن قوی به حکم الله است» (شهید اول، ۱۴۱۹، ۱، ۵۱) مستفاد از کلام ایشان این است شهرت فتوائیه مطلقاً حجت است، وجه استفاده این است که دو دلیل ایشان یعنی فتوای فقها نمی تواند بدون دلیل باشد و فتوای مشهور ظن آور است در هر شهرتی جاری است خواه شهرت بین قدما باشد و یا شهرت میان متأخرین .

۶-۲- صاحب معالم

ایشان پس از نقل نظر شهید اول در کتاب «ذکری» که همان حجیت مطلق شهرت فتوائیه است می فرماید: «شهرتی که ظن قوی به حکم الله می آورد شهرتی است که قبل از زمان شیخ طوسی باشد و نه شهرت بعد از زمان ایشان. سپس می فرماید: «بیشتر شهرت‌های فتوائیه، شهرت‌های متأخر از زمان شیخ طوسی است و علت این است بیشتر فقهای متأخر از شیخ طوسی پیرو و مقلد ایشان بودند؛ زیرا به ایشان حسن ظن و اعتقاد داشتند فقهای بعدی تصور کردند شهرت فتوائیه ای وجود دارد و نمی دانستند منبع آن شیخ طوسی است و دیگران از ایشان تقلید کردند» (ابن الشهید الثانی، ۱۳۷۴، ۲۴۴) چنانکه روشن است مستفاد از کلام صاحب معالم حجیت شهرت‌های فتوائیه‌ای است که قبل از زمان شیخ طوسی صورت گرفته است و موجب ظن به حکم الله است برخلاف شهرت‌های فتوائیه متأخر که در حقیقت شهرتی وجود ندارد.

۶-۳- میرزای قمی صاحب قوانین

ایشان شهرت فتوائیه را مطلقاً حجت می داند خواه شهرت قدما باشد و یا شهرت متأخرین و برای مدعای خود در کتاب «قوانین الاصول» یک دلیل و یک مؤید آورده است. دلیل این است: در عصر حاضر راهی برای رسیدن به احکام شرعیه واقعیه وجود ندارد و به تعبیر دیگر، باب علم به احکام الله بسته است؛ بنابراین اصل حجیت هر ظنی است مگر ظنی که شارع از عمل به آن نهی کند و از آنجا که شهرت فتوائیه موجب ظن قوی به حکم الله است و شارع از عمل به آن نهی نکرده است محکوم به حجیت است و اما مؤید مقبوله عمر بن حنظله است (در دلائل اقوال خواهد آمد) وجه تأیید مقصود از مجمع علیه در روایت شهرت و یا اعم از شهرت و اجماع است و از طرفی جمله «مجمع علیه بی تردید است»

علت منصوصه است برای حکم به انتخاب روایت مشهور قهراً معنی روایت این است باید روایت مشهور را گرفت چون مشهور بدون ریب است بنابراین شهرت اگرچه در روایت نباشد حجّت است و تخصیص حجّیت به شهرت در روایت به معنی عدم حجّیت علت منصوصه است .

ایشان در بخش دیگر از کلامش به نقد صاحب معالم می پردازد که فرمود: شهرتهای فقهای متأخر از شیخ طوسی مفید ظن نیست؛ زیرا فتوایشان به تقلید از شیخ طوسی است و دو نقد دارد؛ نقد اول: همه فقها تقلید مجتهد از مجتهد دیگر را حرام می دانند حال سؤال از صاحب معالم این است آیا نسبت تقلید به فقها به معنی حکم به فسق آنان نیست؟ چگونه فقیه فتوی به حرمت تقلید از مجتهد می دهد و خود تقلید می کند. نقد دوم مخالفت فقهای متأخر از شیخ طوسی با فتاوی ایشان، بیش از مخالفت فقهای متقدّم با یکدیگر است و این با تقلید از ایشان سازگار نیست. از سوی دیگر، شیخ طوسی گاه در باره یک مسأله در «نهایه»، «مبسوط» و «خلاف» فتاوی متفاوت دارد. گاه در «نهایه» مطابق مشهور فتوی می دهد و در «مبسوط» برخلاف آن و گاه به عکس است و گاه در «خلاف» مطابق مشهور فتوی می دهد و گاه در یک کتاب فتوای متفاوت دارد سؤال این است فقهای متأخر از کدام فتوی و از کدام کتاب ایشان تقلید کرده اند. خلاصه، کلام صاحب معالم به قدری غریب است که نیاز به بیان ندارد. آری می توان شهرت فتوائیه قدما را بر شهرت فقهای متأخر ترجیح داد زیرا به عصر ائمه نزدیک بودند اگرچه ترجیح شهرت متأخرین نیز وجه دارد؛ زیرا آنان نسبت به قدما نظر دقیق تری داشتند و چه بسا فقیهی حامل فقه به افقه از خود او است (میرزای قمی، ۱۳۰۳، ۳۷۷).

۴-۶- مرحوم شیخ انصاری

در «مطرح الانظار» که تقریرات درس ایشان است- ابتدا در دفاع از کلام شهید اول در «ذکری» که فرمود عدالت فقها مانع از افتاء بدون دلیل است و در رد کلام صاحب معالم که فرمود: اگرچه فقها بدون دلیل فتوی نمی دهند ولی دلیلشان چون ظنی است احتمال خطا وجود دارد، می فرماید: «مراد شهید اول این است از آنجا که فقیهان بدون دلیل فتوی نمی دهند فتوای آنان کاشف قطعی از یک مدرک قطعی است و روشن است که این نوع شهرت حجت است.» سپس مرحوم شیخ محل نزاع در شهرت فتوائیه را معلوم می کند و می فرماید: «اگر قائل به انسداد شدیم و یا گفتیم شهرت کاشف قطعی از مدرک قطعی است شهرت فتوائیه حجت است ولی بحث این است؛ شهرت از آن حیث که شهرت است دلیل خاصی بر

اعتبار آن وجود دارد یا خیر؟ سپس ایشان به بررسی دو روایت مقبوله و مرفوعه می پردازد. وی در کتاب «فوائد الاصول» ابتدا شهرت فتوائیه را تعریف می کند و می فرماید: «شهرت فتوائیه به فتوای جُلّ فقهای معروف حاصل می شود خواه فتوای به خلاف باشد و یا فتوای به خلاف و یا وفاق معلوم نباشد». سپس عدم حجیت شهرت فتوائیه مطلقاً را انتخاب می کند و ادله حجیت را که فحوی و دو روایت مقبوله و مرفوعه است نقل و رد می کند (شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ۳، ۱۱۶. شیخ انصاری، ۱۳۸۱، ۱، ۱۰۵).

۶-۵- مرحوم آخوند خراسانی

ایشان حجیت و عدم حجیت شهرت فتوائیه را مبتنی بر دلیل حجیت خبر واحد می داند و می فرماید: «اگر دلیل حجیت خبر واحد بنای عقلا باشد هر اماره که مفید ظن و یا اطمینان باشد حجت است. بنابراین بدون اثبات حجیت خبر واحد از باب بنای عقلا راهی برای قول به حجیت شهرت فتوائیه وجود ندارد» (آخوند خراسانی، بی تا، ۷۷).

۶-۶- مرحوم میرزای نائینی

در «فوائد الاصول» که تقریر درس ایشان است می فرماید: «شهرت فتوائیه مجرد، اشتها فتوی در یک مسأله و بدون استناد به روایت است خواه در مسأله روایتی نباشد و یا روایت برخلاف فتوای مشهور باشد و یا مطابق رأی مشهور بوده ولی مشهور به آن استناد نکرده است و چون مشهور استناد نکرده شهرت جابر ضعف سند نمی شود و صرف مطابقت فتوی با مضمون روایت کافی نیست. آری اگر شهرت از سوی قدما باشد موهن صحت روایت است؛ زیر صرف عمل نکردن به روایت موجب کسر روایت است» و در «اجود التقريرات» - که تقریر دیگر ایشان است - می فرماید «شهرت فتوائیه این است که فتوی در میان قدمای اصحاب مشهور باشد؛ یعنی آنانکه قریب به عصر امامان معصوم زندگی می کردند» ایشان پس از بحث و بررسی، عدم حجیت شهرت را می پذیرند (میرزای نائینی، ۱۴۰۶، ۳، ۱۵۳، ۱۳۵۲، ۲، ۱۰۰).

۶-۷- مرحوم آقا ضیاء عراقی

در «نهاییه الافکار» - که تقریر درس ایشان است - می فرماید: «به وجهی بر حجیت شهرت فتوائیه استدلال شده که از جمله آن اولویت است به این ادعا که ظن حاصل از شهرت اقوی از ظن حاصل از خبر

واحد است و از جمله آن مرفوعه است که حضرت می فرماید: « آنچه مشهور است انتخاب کن » و از جمله تعلیل در مقبوله است که حضرت می فرماید: « مجمع علیه بدون ریب است » و عموم تعلیل دلالت دارد بر این که شهرت فتوائیه حجت است؛ زیرا از مصادیق لاریب فیه است. سپس به ردّ ادله می پردازد و می فرماید: « اما جواب وجه اول این است مناط حجّیت خبر واحد ظن شخصی نیست تا بگویند ظن حاصل از شهرت، قوی تر از ظن حاصل از خبر واحد است، بلکه دلیل حجت خبر واحد سیره است آن هم به دلیل اینکه خبر واحد، مفید ظنّ نوعی است نه ظن شخصی و اما جواب وجه دوم: روایت مربوط به شهرت در روایت است؛ زیرا سائل از امام سؤال می کند اگر هر دو مشهور بودند چه باید کرد و معلوم است شهرت فتوائیه در دو طرف مسأله ممکن نیست و اما جواب از وجه سوم مراد از «مجمع علیه» این است یک روایت را همه راویان نقل کرده اند حتی کسانی که روایت شاذ را نقل کرده برخلاف خبر دیگر که تنها گروهی آنرا نقل کرده اند و در شهرت فتوائیه چنین چیزی ممکن نیست» (عراقی، بی تا، ۳، ۱۰۰).

۶-۸- مرحوم میرزا حسن بجنوردی

ایشان در «منتهی الاصول» می فرماید: « شهرت فتوائیه عبارتست از فتوای مشهور به یک حکم شرعی، خواه مدرک مشهور واحد خواه متفاوت باشد و این شهرت، گاه میان قدماء است و گاه میان متأخرین. و حق این است شهرت فتوائیه میان قدما همچون شهرت عملیه جابر ضعف سند است البته در صورتیکه روایت دیگر و یا آیه ای که احتمال رود مدرک فتوای آنان است نباشد و این به این دلیل است که قدماء تنها به اخبار عمل می کردند و اعتنائی به ادله عقلیه نداشتند؛ بنابراین مدرک آن همان روایت ضعیف است اگرچه به آن استناد نکرده اند و اما شهرت فتوائیه قدما- که مدرکی از آیه و یا روایت مطابق آن وجود ندارد - آن هم قطعاً حجت است؛ زیرا به یقین این حکم مشهور از معصوم دریافت شده است. حاصل بیان ایشان این است شهرت فتوائیه قدماء حجت است خواه روایتی مطابق فتوی باشد و یا نباشد (بجنوردی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۲۷).

۶-۹- امام خمینی

در « انوار الهدایه » - که تعلیقه بر کفایه است - می فرماید: « شهرت گاه از قدما و تا زمان شیخ طوسی است و گاه شهرت در میان متأخرین از زمان ایشان است شهرتهای متأخر دلیل بر حجّیت آن وجود

ندارد زیرا فتوی از راه اعمال اجتهاد به دست آمده است و اما شهرت در میان قدما حجت است و اگر حکمی میان فقهای متقدم شهرت داشت، کاشف از دلیل معتبر است؛ زیرا عادت آنان این بود، همان روایاتی را که در اصول وجود داشته بدون تغییر و تبدیل در کتاب‌های خود وارد می‌کردند و روش آنان با روش متأخرین متفاوت بود» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ۱، ۲۶۱).

۶-۱۰- مرحوم آقا حسین بروجردی

در «نهایه الاصول» - که تقریر درس ایشان است آمده است - «قول اظهر تفصیل در حجیت شهرت است و شهرت فتوائیه‌ای که بنای مفتی بر نقل الفاظ روایات است، حجت است و شهرت کاشف از این است که منشأ فتوی قول معصوم است سپس می‌فرماید: «مسائل فقه به سه دسته تقسیم می‌شود اول: مسائل اصلیه و یا مسائلی که در آن اعمال نظر وجود ندارد و اصحاب الفاظ روایات و یا نزدیک به آن را در کتاب‌های خود می‌آورند و هر طبقه‌ای از طبقه قبلی خود می‌گرفت تا به زمان معصوم (ع) برسد. روشن است ارزش این‌گونه مسائل ارزش اخباری است که در کتاب‌های روائی آمده است. قسم دوم: فروعاتی است که از مسائل اصلی استنباط شده اند و از طریق اجتهاد و اعمال نظر به دست آمده است. قسم سوم: مسائلی است که موضوعات احکام و حدود و قیود آنرا بیان می‌کند. شهرت در دو قسم اخیر حجت نیست؛ زیرا فتوی براساس اجتهاد و اعمال نظر است» (بروجردی، ۱۴۱۵، ۲، ۵۴۳).

۷- دلایل اقوال

۷-۱- دلایل حجیت و عدم حجیت شهرت فتوائیه مطلقاً

برای حجیت به أدله زیر استناد شده است اول: فقها به دلیل عدالتی که دارند فتوای بدون دلیل نمی‌دهند بنابراین فتوای آنان مستند به دلیل است اگرچه آن دلیل برای ما معلوم نیست. دوم: شهرت موجب ظن به حکم الله است خواه شهرت در فتوی باشد و یا شهرت در روایت (شهید اول، ۱۴۱۹، ۵۱۱). سوم: مقبوله عمر بن حنظله: «می‌گویند از ابا عبدالله سؤال کردم درباره دو فردی که در دین و یا میراث نزاع دارند و هر یک حاکمی انتخاب کرده و حکم آن دو متفاوت است و دلیل اختلاف دو حاکم اختلاف در حدیث منقول از شما است. حضرت فرمود: باید حکم حاکم عدل، افقه، راستگوتر و پارساتر را گرفت و به حکم دیگری توجه نکرد. به حضرت گفتم: هر دو حاکم عادل و مقبول اصحاب ما هستند و هیچ کدام بر

دیگری برتری ندارد حضرت فرمود: حکم حاکمی را انتخاب کن که به استناد روایت مجمع علیه حکم کرده است و روایت نادر را که مشهور میان اصحاب نیست رها کن؛ زیرا مجمع علیه بدون تردید است^۱. وجه استدلال: مقصود از مجمع علیه که دو بار ذکر شده مشهور است و نه اجماع اصطلاحی؛ زیرا امام (ع) در مقابل روایت مجمع علیه روایت نادر را قرار داده است. از سوی دیگر، اگرچه سؤال سائل از دو روایت متعارض است لیکن جواب سؤال (مجمع علیه بی تردید است) اطلاق دارد و شامل فتوی نیز می‌شود. بنابراین، روایت دلالت دارد شهرت مطلقاً حجت است چه شهرت روائی باشد و یا شهرت فتوائی. چهارم: مرفوعه زراره می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم و گفتم: فدایت شوم! از جانب شما دو خبر ویا دو حدیث متعارض به ما می‌رسد کدام را بگیریم. فرمود: زراره آنرا که میان اصحاب مشهورتر است بگیر و روایت شاذ را رها کن. گفتم: آقای من هر دو مشهورند و از جانب شما به ما رسیده‌اند. فرمود: آنرا که رویش نزد تو عادل تر و موثق تر است بگیر.^۲ وجه استدلال اگرچه مورد سؤال خصوص خبر است ولی جواب امام (ع) عموم دارد و شامل فتوی نیز می‌شود؛ زیرا تعبیر امام (ع) این است «خد بما اشتهر» «ما» موصول وصله معرف آنست قهراً معنی عبارت این است هرچه مشهور است باید انتخاب شود شیخ انصاری، ۱۳۸۱، ۱، ۱۰۵؛ شیخ انصاری، ۱۳۸۶، ۳، ۱۱۷). پنجم: اولویت؛ تقریب استدلال: مقتضای ادله، حجیت خبر واحد است و اگر خبر واحد حجّت است شهرت فتوائیه به طریق اولی حجّت است؛ زیرا علت حجیت خبر واحد افاده ظن به حکم الله است در حالیکه ظن حاصل از شهرت اقوی از ظن حاصل از خبر واحد است (شیخ انصاری، ۱۳۸۱، ۱، ۱۰۵؛ شیخ انصاری، ۱۳۸۶، ۳، ۱۱۷؛ آخوند خراسانی، بی تا، ۵۷). ششم: تمسک به قسمت آخر آیه نبأ است. خداوند در قرآن می‌فرماید هرگاه فاسق برای شما خبر آورد درباره خبر او تحقیق

۱ - محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن محمد بن عیسی عن صفوان بن یحیی عن داود بن الحصین عن عمر بن حنظله قال سألت ابا عبدالله عن رجلین من اصحابنا بینهما منازعه فی دین او میراث فتحا کما - الی ان قال - فان کان کل واحد اختار رجلا من اصحابنا فرضیا ان یکونا الناظرین فی حقهما و اختلفا فیما حکما و کلاهما اختلفا فی حدیثکم فقال الحکم ما حکم به اعدلهما و افقهما و اصدقهما فی الحدیث و اورعهما و لایلتفت الی ما یحکم به الاخر قال فقلت فانهما عدلان مرضیان عند اصحابنا لایفضل واحد منهما علی صاحبه قال فقال یظنر الی ماکان من روايتهما عتا فی ذلک الذی حکما به المجمع علیه عند اصحابک فیؤخذ به من حکمتا و یترک الشاذ الذی لیس بمشهور عند اصحابک فان المجمع علیه لاریب فیه ... (حر عاملی، ۱۴۳۲، ۲۱، ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۲، ۳۵۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۶۷؛ نوری، ۱۴۳۲، ۲۱، ۱۰۸)

۲ - روی العلامة موفوعاً إلی زراره بن اعین قال سألت الباقر (ع) فقلت جعلت فداک یا ائی عنکم الخبران او الحدیثان المتعارضان فأیهما أخذ فقال یا زراره [خذ بما اشتهر بین اصحابک ودع الشاذ النادر فقلت یا سیدی [نهما مشهوران مرویان عنکم فقال (ع) خذ بقول اعدلهما عندک و اوقفهما فی نفسک ... (احسانی ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۴، ۱۳۳)

کنیدمبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.^۱ وجه استدلال: در بند آخر آیه علت عدم حجیت خبر فاسق بیان شده است و آن اینکه عمل به خبر فاسق سفیهانه و غیر عقلانی است؛ زیرا مخبر فاسق است؛ گاه دروغ می گوید و اگر خبرش دروغ باشد پشیمانی بدنبال دارد معلوم است که حکم دائر مدار علت است و این علت در عمل به شهرت فتوائیه جریان ندارد؛ زیرا عمل به فتوای فقهای مشهور و معروف عملی سفیهانه نیست (عراقی، ۱۳۶۴، ۳، ۱۰۰) و دلیل بر عدم حجیت مطلقاً اصل حرمت عمل به ظن است.

۷-۲- دلیل قول به حجیت شهرت قدما

قول دیگر این بود شهرت فتوائیه قدما (برخلاف شهرت فتوائیه متأخرین) حجت است و این قول مختار امام خمینی، مرحوم بروجردی، بجنوردی و گروهی دیگر است حاصل استدلال آنان این است: کتاب‌های فتوائی فقهاء قبل از زمان شیخ طوسی با کتابهای فتوائی متأخرین تفاوت اساسی دارد زیرا کتاب‌های قدما همان روایات است بلکه الفاظ ان عین الفاظ روایات است نهایتاً سندها حذف شده و مطالب همراه با فصل‌بندی است و به هیچ وجه اعمال نظر و اجتهاد وجود ندارد برخلاف متأخرین که فتوای آنان از طریق اجتهاد و اعمال نظر است. شیخ طوسی در مقدمه کتاب «المبسوط» می‌فرماید: «پیوسته مخالفین از ما انتقاد می‌کنند که فقه شیعه جوابگوی مسائل کمی است و فقهای شیعه چون منکر قیاس و اجتهاد هستند راهی برای پاسخ به بسیاری از مسائل فقهی و یا رد فروع به اصول ندارند؛ زیرا بیشتر مسائل فقهی از راه قیاس و اجتهاد به دست می‌آید» و در جواب آنان می‌فرماید: «فقه شیعه بی نیاز از قیاس و اجتهاد است و می‌تواند به استناد روایات اهل بیت و بنای بر اصل و برائت ذمه و غیر آن که مستفاد از روایات اهل بیت است، پاسخگوی همه مسائل شرعی باشد» شیخ طوسی به دلیل انتقاد مخالفان تصمیم به تألیف کتاب مبسوط می‌گیرد و در ضمن یکی از علل تأخیر در تألیف «مبسوط» را بی‌رغبتی فقهای شیعه به تألیف این نوع کتاب ذکر می‌کند. زیرا فقهای شیعه در فقه تنها به عبارات روایات اکتفا می‌کنند؛ حتی اگر در یک مسأله فقهی محتوای روایت همراه با تغییر لفظ باشد از چنین روشی تعجب می‌کنند (شیخ طوسی، ۱۴۲۲، ۱۴).

۱ - یا ایها الذین آمنوا ان جانکم فاسق بنبأ فتیینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین (حجرات ۶)

۸- نقد اقوال

۸-۱- حجیت شهرت مطلقاً و نقد مرحوم نائینی و خوئی

ادله‌ای که برای اثبات حجیت ظن حاصل از شهرت فتوائیه گذشت هیچ کدام به نظر این دو بزرگوار قابل قبول نیست. اما جواب دلیل اول که عدالت فقها مانع از فتوای بدون دلیل است این است که اگرچه عدالت فقها مانع از فتوای بدون دلیل است ولی چون دلیل آنان ظنی است احتمال خطا منتفی نیست. جواب دلیل دوم: این است که شهرت اگر هم موجب ظن قوی باشد دلیلی بر اعتبار این ظن وجود ندارد و جواب دلیل سوم که مقبوله عمر بن حنظله است این است که اولاً مقبوله از نظر سند ضعیف است زیرا وثاقت عمر بن حنظله ثابت نیست و در کتب رجالی از او توثیق نشده است اگرچه گروهی از جمله شهید اورا ثقة می‌دانند و دلائلی آورده‌اند که از آن جمله است روایت یزید بن خلیفه، که می‌گوید: به امام گفتم عمر بن حنظله از جانب شما در باره وقت روایت کرده است؛ اباعبدالله فرمود او دروغ نمی‌گوید^۱ و جواب از این دلیل این است روایت از نظر سند ضعیف است زیرا یزید بن خلیفه واقفی است و توثیق نشده است و نمی‌توان به گفته او استدلال کرد (خوئی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۳۲) و ثانیاً دلالت مقبوله تمام نیست زیرا جمله « آنچه مشهور میان اصحاب است» اطلاق ندارد و معنی آن این نیست که هر مشهوری را باید گرفت. زیرا مراد از ما موصوله (خذ بما اشتهر) خصوص خبر مشهور است به این قرینه که سؤال راوی از دو خبر متعارض است و نه هر مشهوری و تأمل در مثال‌هایی نظیر آن مدعای ما را ثابت می‌کند برای مثال اگر بگویند کدام یک از دو مسجد را دوست داری و شما در جواب بگوئی آنکه مردم بیشتری در آن جمع می‌شوند ظاهر جواب اینست مسجدی را که مردم بیشتری در آن جمع شوند بیشتر دوست دارم و ظاهر جواب این نیست هر مکانی (اگرچه غیرمسجد) مردم بیشتری جمع شوند بیشتر دوست دارم و همینطور اگر بگویند کدام یک از دو آثار را دوست داری و جواب این باشد آنکه بزرگتر است ظاهر جواب این است اناری را که بزرگتر است دوست دارم و نه هرچه بزرگتر است (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۶، ۱، ۴۰۱) و اما جواب دلیل چهارم که مرفوعه زراره است این است که روایت نه از نظر سند تمام است و نه از نظر دلالت؛ اما از نظر سند روایت مرسل است و ابن ابی جمهور احسانی در کتاب «عوالی اللثالی» آن را از علامه و ایشان از زراره نقل کرده است در حالیکه در کتاب‌های علامه این روایت وجود ندارد و توثیق ابن ابی جمهور نیز ثابت نشده است و

۱ - و عن علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس بن یزید بن خلیفه قال قلت لابی عبدالله ان عمر بن حنظله اتانا عنک بوقت فقال ابوعبدالله اذن لایکذب علینا ... (حر عاملی، ۱۴۳۲، ۴۷، ۱۶۹).

صاحب حدائق که به حسب عادت در سند روایت خدشه نمی‌کند به او و کتابش خدشه نموده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱، ۹۹) و این ادعا که ضعف این روایت را می‌توان به عمل مشهور جبران کرد از نظر صغری و کبری مردود است. اما از ناحیه صغری برای ما ثابت نشده که مشهور به این روایت استناد کرده است اما از ناحیه کبری در جای خود ثابت کردیم که عمل مشهور جابر ضعیف سند نیست (خوئی، ۱۴۲۸، ۴۷، ۱۶۶) و اما از نظر دلالت مورد روایت که خصوص خبر است، گرچه نمی‌تواند جواب امام را مختص خبر کند (خذ بما اشتهر بین اصحابک) ولی اصل عموم جواب را قبول نداریم؛ زیرا لفظ «ما» از اسماء مبهمه است و همچنانکه صله می‌تواند معرف آن شود همچنین لفظ «خبر» که در سؤال آمده می‌تواند معرف موصول باشد بنابراین «ما» کنایه از خصوص خبر است و سؤال قرینه می‌شود که جواب امام «خذ بما اشتهر بین اصحابک» این است در دو خبر متعارض خبر مشهور را باید گرفت. علاوه بر این، شهرت در این روایت به معنای مصطلح میان فقها بکارنرفته است بلکه معنی لغوی مقصود است و به معنی واضح و روشن است و معنی روایت این است روایتی را که همه اصحاب نقل کرده و روشن است گرفته و روایت شاذ؛ یعنی روایتی را که اشخاص معدودی نقل کرده اند باید ترک کرد (نائینی، ۱۳۵۲، ۲، ۱۰۰) و جواب از دلیل اولویت این است که حجیت خبر واحد به مناط افاده ظن نیست. زیرا لازمه اش این است هر ظنی که از نظر درجه، مساوی با ظن حاصل از خبر واحد و یا اقوی از ظن حاصل از خبر واحد است حجت باشد و بلکه می‌بایست این دلیل از جمله ادله حجیت مطلق ظن ذکر می‌شد و نه از ادله حجیت شهرت. به هر حال احتمال دارد ملاک حجیت خبر واحد این باشد که غالباً مطابق با واقع است؛ زیرا مستند به حس است برخلاف فتوی که خبر حدسی است و احتمال خطای در حدس زیاد است و جواب از دلیل اخیر این است جهالت به دو معنی بکار رفته است اول: جهالت به معنی سفاهت و انجام عمل غیرعقلانی است. دوم جهالت در برابر علم است و عمل به فتوای مشهور، به هر دو معنی جهل است؛ زیرا اگر مراد از جهالت سفاهت باشد عمل به شهرت فتوانیه سفاهت است؛ چون عمل به آن با نبود دلیل بر حجیت، مؤمن از عقاب ندارد و در نتیجه کاری عاقلانه نیست و اگر جهالت بمعنی عدم‌العلم است مطلب واضح تر است؛ زیرا شهرت مفید علم نیست و عمل به آن عمل به جهل است (خوئی، ۱۴۲۸، ۴۷، ۱۶۹).

۸-۲- حجیت شهرت مطلقاً و نقد مختار

به نظر میرسد جواب‌هایی که داده‌اند مبتنی بر قبول امکان دسترسی به آراء غالب فقها است. اما حق در جواب این است از آنجا که فتوای مشهور فقهای معروف فتوای جمعی از فقها است هیچ یک از ادله‌ای

که برای حجیت شهرت فتوایه آورده اند قابل استناد نیست. از جمله ادله این بود که شهرت فتوایه مفید ظن است. سؤال این است آیا فتوای فقهای معروف که معدودی از فقها را شامل است مفید ظن است؟ ممکن است بگویند آری و دلیل شهرت علمی و برجستگی آنان در برابر سایر فقها است؛ بنابراین اگر فقهایمانند شیخ مفید، سید مرتضی شیخ طوسی، علامه، محقق، شیخ انصاری راجع به موضوعی فتوای واحدی داشتند از فتوای آنان به حسب عادت ظن به حکم شرعی حاصل می‌شود همچنانکه در هر علمی نظر نخبگان موجب ظن است، جواب به یقین نمی‌توان گفت فقهای معروف نسبت به همه دیگر فقها از جمله اساتید خود- که مکتوبی از آنان نداریم - از نظر علمی برترند؛ معروفیت دلیلی بر قدرت علمی برتر نسبت به غیر معروفین نیست؛ زیرا منشا معروفیت منحصر به قدرت علمی نیست. چنانکه عدم معروفیت نیز دلیل بر ضعف علمی نیست بعلاوه افرادی در عصر خود معروف بودند و به دلائل مختلف در عصر ما گمنامند و از سوی دیگر بسیاری از فقهای گذشته به دلیل حکومت جائران متعصب اجازه تألیف و تدریس نداشتند از اینرو حکم به حصول ظن از فتوای معروفین مشکل است. و اما جواب از باقی ادله: وجه عدم دلالت مقوله عمر بن حنظله بر حجیت فتوای فقهای معروف عدم شمول اطلاق کلام امام است؛ زیرا حضرت فرمود «تردید در مجمع علیه نیست و نفرمود تردیدی در مجمع علیه میان معروفین نیست و همچنین وجه عدم دلالت مرفوعه زراره که حضرت فرمود مشهور را انتخاب کن و نادر را رها کن اطلاق جواب است. زیرا اگر فتوای مشهور فقهای معروف حجت بود حضرت می‌فرمود مشهور میان معروفین را انتخاب کن در حالیکه چنین قیدی در روایت نیست، دلیل دیگر این بود اگر خبر واحد حجت است شهرت فتوایه به طریق اولی حجت است؛ چون ظن حاصل از شهرت فتوایه قویتر از ظن حاصل از خبر واحد است. وجه عدم دلالت این است آنچه ظن آوراست فتوای است که میان فقها مشهور باشد و نه فتوایی که مشهور معروفین از فقها پذیرفته اند آخرین دلیل بر حجیت شهرت فتوایه تعلیل در آیه نبأ بود وجه استدلال بر حجیت شهرت فتوایه این بود اگرچه عمل به خبر فاسق بدون تحقیق در صحت و سقم آن کار سفیهانه و غیرعقلانی است ولی عمل به فتوای مشهور فقها عملی عقلانی است. وجه عدم دلالت این است؛ عمل به فتوای مشهور فقهای معروف که فتوای جمعی از آنان است عملی عاقلانه نیست.

۸-۳- نقد حجیت شهرت قدما

نظر دیگر این بود که شهرت قدما برخلاف شهرت متأخرین حجت است؛ زیرا فتوای آنان متن روایت است از این نظر دو جواب می‌توان داد: اول فقهاییکه آثار آنان به ما رسیده است از عدد انگشتان تجاوز

نمی‌کند و نسبت اینان به فقهاییکه در آن عصر بودند مقدار کمی است تنها شیخ طوسی دهها استاد داشته (شیخ طوسی، ۱۴۲۲، ۱، ۱۳) که بسیاری از آنان فقیه بودند و یا شیخ مفید که (۶۱) شیخ داشته است (شیخ مفید، ۱۴۲۹، ۹). مثال دیگر علی بن ابراهیم قمی، محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی، ابوالقاسم جعفرین محمدبن قولوبه، علی بن بابویه که فقهای معروف عصر خود بودند. در حالیکه تنها مرحوم کلینی از (۳۶) استاد بهره‌مند بود. دوم: بدون تردید مستند فتوی قدما روایات است و نه اجتهاد و اعمال نظر و در عین حال شهرت فتواییه آنان کاشف از دلیل معتبر نیست. توضیح این که قبول نداریم کتابهای فقهی قدما متن روایات است. تفاوت عبارات کتاب‌هائی مانند مقنع، مقنعه، انتصار، کافی، مراسم، مهذب دلیل مدّعی ما است (البته محتمل است کتاب‌هایی که در اختیار شیخ طوسی بوده و به مرور زمان از بین رفته، متن روایات بوده است) بنابراین آنچه در این کتابها هست استظهار آنان از روایات است. که نمی‌تواند برای ما حجت شرعی باشد و در مواردی فقها استظهار آنان را نپذیرفته اند برای مثال: به نظر فقها در سفر برای صید به قصد تأمین معاش نماز شکسته است ولی اگر سفر صید به قصد لَهو باشد سه نظر وجود داد؛ اول: نماز شکسته است. دوم سفر سفر معصیت است چون لَهو حرام است و نماز را باید تمام خواند از اینرو در کتاب «معتبر» آمده است: «نظر علمای ما این است اگر سفر لَهوی بود مانند کسیکه برای تفریح شکار می‌رود نماز شکسته نیست زیرا لَهو حرام و سفر سفر معصیت است (شیخ انصاری، ۱۳۹۰، ۱، ۱۵۰). سوم: سفر معصیت نیست ولی نماز تمام است و این استظهار شیخ صدوق در کتاب «مقنع» و «امالی» از روایات است و می‌فرماید «در سفر معصیت نماز و روزه تمام است و همین‌طور کسانی که کار آنان مسافرت است و همچنین صیّاد اگر غرض از صید لَهو باشد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ۱۲۶؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ۵۷۶). ایشان از روایات استظهار کرده است که سفر صید لَهوی عنوان مستقلی برای تمام است؛ در حالی که علما علت را عصیان به سفر می‌دانند. در موارد دیگری نیز استظهار ایشان با دیگر فقها متفاوت است، مانند فتوی به جواز وضو و غسل با گلاب و اختصاص وجوب خمس به چهار مورد و وجوب جهر به بسمله در خواندن حمد و سوره (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ۵۷۳). حال که استظهار ایشان در این موارد با دیگران متفاوت است چگونه می‌توان در مواردی که روایت مورد استناد ایشان به دست ما نرسیده به استظهار ایشان اعتماد کرد نتیجه این است به طور قطع نمی‌توان گفت فتوی مشهور قدما کاشف از دلیل معتبر است.

۹- نتیجه

اگر مقصود از شهرت فتواییه این است فتوی میان فقها اعم از معروفین و غیرمعروفین مشهور باشد حق این است دسترسی به آن ممکن نیست خواه شهرت فتواییه قدما باشد و یا متأخرین و یا شهرت در عصر حاضر و اگر مقصود این است فتوی میان فقهای معروف مشهور باشد که صریح کلام مرحوم شیخ انصاری است چنین شهرتی نیز قابل دسترسی نیست به علاوه مصداق فتوای مشهور فقها نبوده و در حقیقت فتوای گروهی نادر است و هیچ یک از ادله ای که برای حجیت شهرت فتواییه آورده اند اعم از روایات و غیره شامل آن نمی‌شود و اما وجه عدم حجیت شهرت قدما اینست که فتوای آنان در حقیقت استظهار از روایات پس از جمع‌بندی آنها است که نه استظهار آنان برای ما حجت است و نه جمع‌بندی آنان.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آخوند خراسانی، محمدکاظم، (بی‌تا)، حاشیه کتاب فرائد الأصول، مکتبه بصیرتی، قم.
- ۳- آخوند خراسانی، محمدکاظم، (بی‌تا)، کفایة الأصول، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- ۴- ابن‌الشهید الثانی، حسن، (۱۳۷۴)، معالم الأصول، دارالفکر، قم، چاپ اول.
- ۵- احسائی ابن ابی‌جمهور، محمدبن علی، (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی، دارسید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول.
- ۶- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۵)، انوار الهدایه، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم.
- ۷- بجنوردی، میرزا حسن، (۱۳۸۵)، منتهی الأصول، مؤسسه عروج، تهران، چاپ دوم.
- ۸- بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضره، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۹- بروجردی، حسین، (۱۴۱۵)، نهاییه الأصول، مقرر مرحوم حسینعلی منتظری، نشر تفکر، قم، چاپ اول.
- ۱۰- تبریزی، میرزا موسی، (۱۳۹۷)، اوثق الوسائل فی شرح الرسائل، انتشارات کتبی نجفی، قم.
- ۱۱- حرعاملی، محمدبن الحسن، (۱۴۳۲)، وسائل الشیعه و مستدرکها، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۲- خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۲۸)، مصباح الأصول، مقرر سیدمحمد بهسودی، مؤسسه احیاء آثار موحوم خوئی، قم، چاپ سوم.

- ۱۳- خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳)، معجم رجال‌الحديث، (بی‌جا)، (بی‌نا)، چاپ پنجم.
- ۱۴- شهید اول، محمدبن مکی، (۱۴۱۹)، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول.

- ۱۵- شیخ انصاری، مرتضی، (۱۳۸۱)، فرائد الأصول، انتشارات مطبوعات دینی، قم، چاپ دوم.
- ۱۶- شیخ انصاری، مرتضی، (۱۳۹۰)، کتاب مکاسب، مطبوعات دینی، قم، چاپ ششم.
- ۱۷- شیخ انصاری، مرتضی، (۱۴۱۸)، مطارح الأنظار، پژوهشکده امام خمینی، تهران، چاپ اول.
- ۱۸- شیخ صدوق، محمد، (۱۳۸۹)، امالی الصدوق، با مقدمه محمد مهدی خراسان، مطبعه الحیدریه، نجف.
- ۱۹- شیخ صدوق، محمد، (۱۴۲۹)، کمال الدین و تمام النعمه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم.
- ۲۰- شیخ صدوق، محمد، (۱۴۱۵)، المقنع، مؤسسه امام هادی، قم، چاپ اول.
- ۲۱- شیخ طوسی، محمد، (۱۴۲۲)، المبسوط فی فقه الامامیه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۲۲- شیخ مفید، محمد، (۱۴۲۹)، الأمالی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ ششم.
- ۲۳- طباطبائی یزدی، محمد کاظم، (۱۴۲۶)، حاشیه فرائد الأصول، دارالهدی، (بی‌جا)، چاپ اول.
- ۲۴- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول.
- ۲۵- عراقی، ضیاء الدین، (۱۳۶۴)، نهیة الافکار، مقرر محمدتقی بروجردی، انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.
- ۲۷- مشکینی، میرزا ابوالحسن، (بی‌تا) کفایة الأصول المحشی، منشورات الحکمه، قم.
- ۲۸- میرزای نائینی، محمدحسین، (۱۳۵۲)، اجود التقریرات، مقرر سید ابوالقاسم خوئی، صیدا، مطبعه عرفان.
- ۳۰ - میرزای نائینی، محمدحسین، (۱۴۰۶)، فوائد الأصول مقرر مرحوم محمدعلی کاظمینی، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- ۳۱- نوری، میرزا حسین، (۱۴۲۳)، وسائل الشیعه و مستدرکها، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.